

## بررسی تزیینات کاشی کاری کاروانسرای گنجعلیخان (هنری در دست فراموشی)

محبوبه ستاره سهیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید باهنر کرمان  
Star.setare5@gmail.com

خاطره قریه ملکی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید باهنر کرمان  
[Khatereh.gh@gmail.com](mailto:Khatereh.gh@gmail.com)

فاطمه زمانی دارانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید باهنر کرمان  
f\_zamani\_64@yahoo.com

### چکیده:

مرمت و احیا بافت در تمام اشکال و دوره های تاریخی آن ریشه در ارزش های نشات گرفته از هویت و فرهنگ ملت ها دارد. توانایی درک این ارزشها یک نیاز پایه ای برای ارزیابی هویتی فرهنگ یک ملت می باشد. یکی از این مجموعه های بی نظیری که مرمت آن نشان دهنده هویت فرهنگی مردم کرمان میباشد؛ یکی از زیباترین نمونه های معماری عصر صفوی؛ مجموعه گنجعلی خان است که دارای مجموعه هایی است که هر یک به نوبه ی خود اثری ارزشمند معماری می باشند. کاروانسرا با ساختمان دو طبقه و حیاطی زیبا با تزیینات ترکیبی از اجر و کاشی و نقاشی روی گچ می باشد که از نظر ظرافت در نقش پردازی کم نظیر است. تنوع در انواع نقوش گیاهی -هندسی و نقش های انسانی و حیوانی در کاشی کاری این بنا چشم را می نوازد. بیشتر کاشی کاری های این مجموعه معرق کاری است که دستان هنرمند دبار کریمان آنها را به زیباترین نحو، آراسته است، قسمت هایی از کاشی کاری آن آسیب دیده بود در عصر قاجار توسط هنرمندان آن زمان مرمت شده و تابه امروز این مرمت ادامه دارد. این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه ای - میدانی براساس روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده که هدف آن تحلیل نقوش کاشی کاری کاروانسرای گنجعلی خان و براساس آن، معرفی کاشی کاری سنتی که برای مرمت بناهای تاریخی انجام می شود و بررسی علل بی رونقی این حرفه هنری و آرایه پیشنهاداتی برای توسعه این هنر سنتی است.

واژگان کلیدی: مرمت، کاشی کاری (سنتی)، معرق، کاروانسرای گنجعلیخان، کرمان.

## اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

### مقدمه:

کاشی کاری در ایران سابقه ای طولانی دارد و قدمت آن به هزاره دوم ق.م می رسد. معبد چغازنبیل واقع در خوزستان از جمله مکان هایی است که کاشی های دیواری لعاب دار از آن به دست آمده است. نمونه هایی از اجرهای لعاب دار برجسته هخامنشی در شوش و تخت جمشید در دوره هخامنشیان و هم چنین در دوران ساسانیان، در شهر نیشابور نمونه هایی از این نوع به شکل موزائیک های رنگی به دست آمده است. پس از ظهور اسلام به دست آمدن نمونه های بسیاری از کاشی های زرین فام در مسجد قیدوان و شهر سامره در دوران عباسیان نشانگر آشنایی سفالگران و کاشی سازان قرون اولیه اسلامی با تکنیک ساخت کاشی زرین فام بود. ارتباطات وسیع ایران و چین در این دوره، علاوه بر تبادلات تجاری، مبادلات فرهنگی و هنری را در پی داشت. تصاویر نقش گرفته برای نوع کاشی ها بیشتر اشکال انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و کتیبه ای است. شهر کاشان مرکز اصلی تولید کاشی بود و نمونه های گوناگونی کاشی از نظر شکل و تکنیک در آنجا تولید می شد. جهانگردانی که در قرن های دهم و یازدهم هجری از ایران دیدن کرده اند، مرکزی دیگر چون اصفهان، شیراز، کرمان و مشهد را نیز به عنوان مراکز ساخت کاشی نام برده اند. در زمینه استفاده از نقوش گوناگون انسانی و حیوانی بر روی کاشی های زرین فام مغولی این دوره که تاثیرات بسیاری از هنر چینی در آن دیده می شود. (نقوش نیلوفر آبی، اژدها، صورت های گرد مغولی به همراه دیگر ویژگی های چهره نگاری مغولی و غیره). باید افزود که به رغم مخالفت های شدید در صورت نگاری انسانی در دین اسلام، کاشی کاری بناهای مذهبی دوره ایلخانی بیشتر به بناهای مربوط به فرقه شیعه اختصاص می یابند. رشد توأمان مذهب شیعه و صوفی گری در سده های میانی ایران، امکان استفاده از تصاویر ایرانی را به همراه استفاده از اشعار غنایی و آیات قرآنی در مقبره ها فراهم می ساخت. همانگونه که در سنت صوفی نیز به همین منوال به چشم می خورد و عشق انسانی تمثیلی برای دوست داشتن خدا بود (لشکری و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به قدمت و اصالت هنر کاشی کاری و از آنجا که حفاظت و مرمت از آثار باستانی به دلیل این که اصالت و هویت فرهنگی هر ملت را در بر می گیرد، توجه ویژه ای را می طلبد و نیز به دلیل آن که هنرهایی مانند هنر کاشی کاری که هنری اصیل و دارای هویت است، نیازمند همتی والا جهت حفظ و نگهداری و آموزش به نسل آینده می باشد؛ پژوهش حاضر به دنبال بررسی و تحلیل هنر کاشی کاری معرق در داخل کاروانسرای گنجعلیخان است و معرفی کاشی کاری معرق سنتی که هنری است در دست فراموشی، از اهداف اصلی این پژوهش می باشند. این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه ای - میدانی براساس روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است. محققان با استفاده از مقاله ها و کتاب های موجود و همچنین مصاحبه با هنرمندان پیشکسوت حرفه ای کرمان در زمینه کاشی کاری معرق به هدف این پژوهش نزدیک شده اند.

هنر کاشی کاری سنتی (دستی) میراثی است که از گذشتگان به ما رسیده است و نشان دهنده هنر و فرهنگ ایرانی است. هنرمندان ایرانی با دستان توانمند خود آثاری شکوهمند خلق کرده اند و هنر آنان جزئی از وجود ماست. دیاری که خشک و کویری است و با هنر پدران ما تبدیل به دیاری هنری پر نقش و نگار که باروح لطیف هر انسانی بازی می کند، شده است. در نتیجه توجه به ویژگی های این صنعت می تواند ضمن شناسایی تاریخ و تمدن ایرانی در توسعه معاصر آن، که در حال حاضر نیز، فعالیت آن ادامه دارد، کمک نماید.

## اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

در این زمینه می‌توان به کتاب "اصفهان، تصویر بهشت" نوشته هانری اشرلن، مقاله‌های "هنر کاشی کاری تبلوری از ذوق واردات و عشق" نوشته هادی هدایت، "بررسی وضعیت معماری در ایران با تاکید بر مفهوم و کاربری بناها" نوشته وحیده رضائی، "هنرکاشی کاری و موزائیک سازی در اسلام از نگاه کریستین پراس" نوشته آرش مردانی پور و "روح هنراسلامی در آثار تیتوس بورکهاث" نوشته عبادی اشاره کرد. در این آثار نویسندگان نگاهی اجمالی به معماری و تزئینات آن داشته اند (جمالی و مراتی، ۱۳۹۱).

آرش لشکری و همکاران در سال ۱۳۹۳ به بررسی نقوش کاشی های زرفام آوه ازدوره ایلخانیان پرداختند و نقوش اصلی تزئینی کاشی هاو همانندی میان تزئینات کاشی های زرین فام با سایر مناطق مرکزی را بررسی کرد. شهره جوادی در سال ۱۳۸۷ مجموعه ی تزئینات معماری مجموعه ی گنجعلیخان ر مورد بررسی قرار داد. منصورحسین پور میراب در سال ۱۳۹۱ کاشیکاری مسجدکبود تبریز را که عمدتا کاشی معرق است را بررسی کرده و آن را پرکارترین و ظریف ترین کاشی کاری دنیا نام برد.

بهرام آجورلو و پریسا نامی گرمی در سال ۱۳۹۳ تلاش کردند که اصلت یا عدم اصلت تعلق مجموعه ی کاشی نگاره گرمابه نوبر تبریز را مطالعه و تاثیر آن را در روند حفظ و مرمت بافت-بستر اصلی بررسی کنند.

اکرم خلیلی پور و دکتر محمد کاووسی تزئین هنراسلامی در معماری صفویه را با توجه تزئینات عمارت عالی قاپو بررسی کرده و دریافتند هر کدام از اجزای تزئینی هنراسلامی شامل: نقوش هندسی، اسلیمی ها، کتیبه ها، رنگ ها و غیره همگی به خاطر داشتن معانی و مفاهیمی خاص انتخاب و در کنار یکدیگر قرار داده شده اند و علاوه بر ذوق هنری هنرمندان سنتی، گویای افکار، عقاید و ارزش های حاکم بر زندگی اجتماعی دوره صفویه هستند.

### تاریخچه کاروانسرای گنجعلی خانی:

گنجعلی خان از حکام کرمان در زمان شاه عباس بوده است در زمان حکومت او در کرمان اقدامات اساسی و مهمی انجام شد و بناهای متعددی برپا شد. ارزشمندترین بنای این دوره مجموعه گنجعلی خان است که توسط استاد محمد معمار یزدی بنا شد، که شاهکاری از معماری و هنرهای تزئینی شامل خطاطی، نقاشی روی گچ و کاشی کاری می باشد. کاروانسرای گنجعلی خان مرکز تجاری بوده، برخی معتقدند که این مکان مدرسه بوده است و سپس تغییر کاربری داده و به کاروانسرا تبدیل شده است در زمانی که کاروانسرا بوده دارای رونق تجاری نیز بوده است.

اسم استاد محمد معمار یزدی بر روی شمشه ای در داخل کاروانسرا نوشته شده است. شمشه نماد کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است. کثرت تجلی صفات خداوند است که در این نقش به صورت اشکال کثیر ظهور کرده است که از مرکزی واحد ساطع شده اند این نقش چنانکه از نام آن پیداست مفهوم نور را تداعی می کند، شمشه نمادی از نقوش شیعی است (حسینی و فراشی ابرقویی، ۱۳۹۳).

### کاشی کاری کاروانسرای گنجعلیخان

در کاشی کاری های کاروانسرای مجموعه گنجعلی خان کرمان که به عنوان یکی از شاهکارهای معماری عصر صفوی است. انواع نقوش هندسی، گیاهی اسلیمی، اندام های حیوان، انسان و موجودات افسانه ای الهام گرفته از فرهنگ چینی و اروپایی به چشم می خورد. قسمت هایی از کاشی کاری کاروانسرا در عصر قاجار مرمت شده و این مرمت تا به امروز ادامه دارد. البته

## اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

قسمت های مرمت شده در عصر قاجار با تزئینات صفوی متفاوت است اما اصالت هنر صفوی و نقش های اصلی در آن حفظ شده است. این نکته را با توجه به کاشی کاری های عصر قاجار که در آن ها ، از هنر و رنگهای اروپایی و غربی بیشتر استفاده می شده است و مقایسه آن ها با مرمت کاشی کاری کاروانسرا در عصر قاجار، می توان به سادگی دریافت . تزئینات کاروانسرا چند دسته عمده نوشتاری که به خط کوفی بنایی، هندسی، گیاهی و اسلیمی تقسیم و نقوش حیوانی دارای نقوش حیوانات بسیاری از جمله شیر، اهو، سگ، روباه، گرگ، پرنده و حیوانات افسانه ای مانند سیمرغ و اژدها در ترکیب با نقوش گیاهی هستند که هر کدام از آن ها به نوبه خود از منظر عرفانی و اساطیری مورد توجه است. نقوش این کاشی ها هر کدام اشاره به حیات، باروری، برکت، دانایی، زیبایی، شجاعت، صبر و استقامت و غیره دارد.

نقوش انسانی این کاشی ها اغلب گویای چهره های مغولی است با چشمانی خمار و ابروانی هلالی کشیده و غیره می باشند) تصاویر (۱) و (۲). استفاده از تصاویر افسانه ای ایران زمین (سیمرغ) و تصویر افسانه چین (اژدها) تصویر (۳) و چهره های مغولی و آیات قران در کاشی کاری کاروانسرا بازتاب از هنر و فرهنگ ایرانی و اسلامی در کنار هم می باشد که باعث جذابیت بیشتر این است. (استادکار حرفه ای و قدیمی

که تصویر جنگ سیمرغ و اژدها به احاطه فرهنگ ایرانی برجینی دارد که تمام این موضوع رابه تصویر کشیده



تزئینات شده  
کرمان زمین معتقد است  
این شکل نشانگر برتری و  
هنرمندان ایرانی باذکاوت  
اند).

تصویر ۱- نقوش انسانی



تصویر ۲- چهره مغولی



تصویر ۳- نقش افسانه چین

بازسازی سنت های تصویر سازی ساسانی با نشان دادن حیوانات رو در رو ( تصویر ۴) احاطه شده توسط نقوش درخت یا گیاهان می باشد.قرینه سازی نیز ریشه در هنر ساسانی دارد، زیرا تقارن خود موجب تعادل است(لشکری وهمکاران،۱۳۹۲).



تصویر ۴- نقش حیوانات رو در رو

طاقچه های تزئینی کاروانسرای گنجعلی خان:

هریک از این طاقچه ها مانند تابلوی نقاشی زیبا می باشد که تلفیقی از آجرکاری ساده هندسی بارنگ کرم، کاشی کاری گلدار و رنگی است.

حیاط کاروانسرا:



۶

تصویر ۵-نمایی از حیاط کاروانسرا

حیاط کاروانسرا به شکل هشت ضلعی است در وسط آن حوضی واقع شده است. دورتا دور حیاط حجره های دو طبقه قرار دارد و مقابل هر حجره ایوان کوچکی است. زیر سقف ایوان با شکل کار بندی و نقوش هندسی ساده نقاشی شده است. جلوی ایوان های طبقه بالا تابلوهای باریک مستطیل شکلی دیده می شود. نقوش این تابلوها ترکیبی از کاشی و آجر با شکل های هندسی است که به این شیوه ترکیب آجر و کاشی در قطعات کوچک مربع و مستطیل معقلی می گویند. (تصویر ۶)



## اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

### تصویر ۶- ترکیبی از کاشی و آجر

تابلوی لچکی سردرهای شمالی و جنوبی دارای نقش مایه های گل و بوته، اندام های مینیاتوری آمیخته با نقاشی غربی و موجودات اسطوره ای الهام گرفته از هنر چینی می باشد. عناصر تابلو شامل فرشته ای است که نشسته و بچه ای در آغوش دارد، به احتمال زیاد از هنر مسیحی وارد شده است و شبیه تندیس های مریم و عیسی (ع) است اما نقش مذکور با شیوه نگارگری ایرانی اجرا شده است. کادری گرد و گل مانند آن ها را احاطه کرده است (تصویر ۷) و یک گل هشت پرمانند گل انار به عنوان ترنجی در بالای قاب قرار دارد. در طرفین ترنج، جانوران افسانه ای مانند اژدها، سیمرغ و حیوانات مانند شیر و بز کوهی، گل و برگ های ریز و شاخه های تمام زمینه را پوشانده است.



### تصویر ۷- تابلوی لچکی سردرها

در مرکز مرد نشسته شبیه به تندیس های بودا می باشد که دو بزکوهی در طرفین او قرار دارند که الهام گرفته از فرهنگ چینی می باشد.

در لچکی های گرداگرد حیاط علاوه بر نقوش گل و بوته و ترنج و اسلیمی عناصری چون سیمرغ، حیوانات طبیعی مانند آهو و شیر و صورت زن و مرد دیده می شود. تابلوهای طبقه بالا هم با نقش گل و بوته و هم با نقش تابلو های طبقه پایین، نقوش پرنده، حیوان و صورت انسان تزئین شده است. لچکی های طبقه بالا یکی در میان تیره و روشن هستند به طوری که در یکی رنگ سفید و در دیگری رنگ لاجوردی حاکم است. سی و دو لچکی بالای قوس حجره ها قرار دارند که نقوش آن ها به هشت گروه تقسیم می شوند.

تابلوی زمینه لاجوردی با گل و بوته و اسلیمی سفید، فیروزه ای و سبز با دو گل برگ چناری سفید در مرکز لچکی ها می باشد، در ضلع شرقی تابلوهای طبقه بالا طرفین ایوان ورودی قرار دارد. تابلوی با زمینه سیاه و نقش گل و بوته، اسلیمی، ترنج، حیواناتی مانند لک لک (درنا) و سیمرغ در حال پرواز هستند که دم سیمرغ ها به شکل زیبایی از ساقه گیاهان طراحی شده است.



تصویر ۸- نقوش گل و بوته و ترنج

۸

در وسط تابلو یک سرشیر سفید روی ترنجی دیده می شود و چهار ترنج دیگر به صورت قرینه در طرفین سرشیر قرار دارند. (درنا از جمله پرندگانی است که در هنر تزئیناتی نمونه های فراوانی از آن دیده می شود). داخل دو ترنج شیر سفیدی است که آهوی سیاه را گرفته است در این تابلو در ضلع شرقی طبقه پائین قرار گرفته است (تصویر ۹) که قرینه این تابلو در سمت چپ ایوان بایک تفاوت رنگی دیده می شود. (تصویر ۱۰)





تصویر ۹- نقش آهوی سیاه و شیر



تصویر ۱۰- قرینه نقش

۹

تابلویی با نقش متفاوت در ضلع شمالی طبقه پائین بالای قوس پلکان شامل پانزده قاب به شکل گل وجود دارد. داخل چهار قاب نقش آهو و داخل دو قاب نقش شیر دیده می شود. داخل پنج قاب کوچک نقش گل انار و داخل چهار قاب کوچک، نقش گل هفت پر دیده می شود. همانطور که این بررسی نشان می دهد اکثر کاشی کاری ها معرق می باشند و تعدادی کاشی کاری معقلی نیز در کاروانسرا دیده می شود. اما در تزئینات کاروانسرا از کاشی کاری هفت رنگ (خشتی) استفاده نشده است. کاشی کاری هفت رنگ بسیار ساده تر از کاشی کاری معرق (تصویر ۱۱) می باشد و زمان کمتری می برد و در مکان هایی که رطوبت وجود دارد مانند حمام ها از کاشی کاری هفت رنگ استفاده می شده است (جوادی، ۱۳۸۷).



شکل ۱۱- کاشی

نحوه ساخت کاشی کاری معرق به شیوه سنتی (دستی):

## اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

کاشی به دلیل داشتن سطحی شیشه‌ای به نام لعاب، علاوه بر زینت بخشیدن به بنا، آن را در برابر آب و رطوبت عایق می‌کند. هنرمندان ایرانی از ترکیب کاشی‌هایی با رنگ‌های مختلف به شیوه موزاییک، کاشی «معرق» را به وجود آوردند و خشت‌های کاشی‌های ساده و یکرنگ دوره قبل از اسلام را به رنگ‌های متنوع آمیخته و کاشی «هفت‌رنگ» را ساختند. همچنین از ترکیب کاشی‌های ساده با تلفیق آجر و گچ، کاشی «معقلی» را به وجود آوردند. به این ترتیب از قرن پنجم هجری به بعد کمتر بنایی را می‌توان مشاهده کرد که با یکی از این سه روش تزئین نشده باشند. در زمان صفویان و به دستور شاه عباس، برای صرفه‌جویی در زمان استفاده از کاشی هفت‌رنگ به جای معرق باب شد. مساجد و مدارس که در دوران صفویان ساخته شدند از درون و بیرون توسط هنر کاشی‌کاری تزئین شده بودند و این هنر یکی از دوران طلایی خود را در این دوره داشت. ترکیب بدنه در کاشی‌های زیرلعابی از دو نوع خمیر سنگی و خمیر رسی ساخته شده است. قدمت بدنه‌های خمیر رس در ظروف به ساخت نخستین سفالینه‌های دست ساخته ی بشر بر می‌گردد در قرن ۱۲ م. بدنال تلاش سفالگران در شرق دنیای اسلام، نوع جدیدی از خمیر بازآفرینی می‌شود که با نام خمیر سنگ یا خمیرشیشه شناخته می‌شود. ماده جدید برای بدنه‌های سفالی ترکیب آن بسیار شبیه به موادی است که بدل چینی نامیده می‌شود و به وسیله سفالگران مصر باستان در اواخر هزاره ۵ و اوایل هزاره ۴ ق.م و پیش از اسلام ایران برای ساختن مهره و در دوره هخامنشی برای آجرهای لعابدار استفاده شده است. از زمانی که خمیر سنگ مجدداً پس از معرفی رواج وسیعی یافت و در مصر، سوریه، آناتولی و ایران به صورت قابل توجهی مورد استفاده قرار گرفت. این ماده بدنه جدید و نوع لعاب امکان اجرای تکنیک‌های تزئینی متعددی را برای سفالگران فراهم کرد کاربرد گسترده ی بدنه‌های گل سنگی در دوره سلجوقی برای ساخت ظروف و کاشی‌های زرین فام سبب تثبیت این تکنیک برای ساخت کاشی‌ها در ایران شد و تا دوره معاصر ادامه یافت (میش نذر نهی و مرتضوی، ۱۳۹۰).

امروزه ابتدا کاشی خام (مخلوط یازخاک رس و چند ماده دیگر) در کوره پخته می‌شود. سپس خشت‌های پخته شده را با لایه ای از لعاب می‌پوشانند و دوباره وارد کوره می‌کنند تا لعاب ذوب شده وسط کاشی را به طور کامل پر کنند، بعد از پخته شدن کاشی، ابتدا هنرمند طرح مورد نظر را بر روی کاغذ طراحی نموده و سپس هر قطعه از طرح را بر اساس رنگ مورد نظر شماره گذاری می‌نماید و این قطعات شماره گذاری شده را با قیچی می‌چیند و بر کاشی رنگ مورد نظر با چسب می‌چسباند. سپس با ابزار بسیار ساده همچون تیشه ای کوچک، بسیار هنرمندانه با صبوری زیاد و ظرافت بی نظیر قطعات را مانند کاغذ چسبانده شده در می‌آورد و در کناری می‌گذارد و هنگامی که تمام قطعات مورد نظر را به شکل دلخواه درآورد. همه آنها را کنار یکدیگر بر اساس شماره قرار می‌دهد تا طرح مورد نظر و نهایی شکل پذیرد (برگرفته از مصاحبه با استادکار پیشکسوت کاشی‌کاری کرمان). در کاشی‌کاری معرق قطعه‌های بریده شده کاشی را که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر نقوش خاصی از گل و بوته‌های اسلیمی را به وجود می‌آورند، برای زینت بخشیدن روی دیوار بنا نصب می‌کنند. (تصاویر ۱۱ تا ۱۶)



تصویر ۱۱- کاشی معرق- مرحله یک

۱۱



تصویر ۱۲- کاشی معرق-مرحله دو



تصویر ۱۳- کاشی معرق-مرحله سه



تصویر ۱۴- کاشی معرق-مرحله چهار



تصویر ۱۵- نمونه کاشی معرق



تصویر ۱۶- کاشی معرق از نمای نزدیک

مبانی نظری:

منشور ونیز(۱۹۶۴) به اهمیت یادمان های تاریخی به عنوان یک اثر فرهنگی و حفظ تمامیت اثر تاریخی به سبب دارا بودن ویژگی های تاریخی و فرهنگی تاکید می کند. منشور نارا (۱۹۹۴) در تایید و تکمیل منشور ونیز به تعریف اصالت اثر پرداخته و بر حفظ اصالت در مرمت آثار تاریخی تاکید بسیار دارد. در اینجا باید یادآور شد که آموزش صحیح و روشمند تاریخ به نسل های آتی جامعه یکی از اهداف بنیادین مرمت و حفظ وصیانت آثار تاریخی و موارث فرهنگی است.

آسیب شناسی:

بررسی عواملی که باعث آسیب های کاشی های بناهای تاریخی از جمله کاروانسرا می شوند:

- ترک و ریز ترک در لعاب کاشی: رایج ترین و اولین آسیبی است که در تزیینات کاشی بوجود می آید. این ترک و ریز ترک ها به حالت های مختلف با توجه به ویژگی های لعاب و بدنه و شرایط محیطی که در آن قرار می گیرند، ایجاد می شود. برخی از عوامل که منجر به پیدایش آن ها می شوند:

(۱) تطابق نداشتن میزان انقباض لعاب و بدنه هنگام سرد شدن: چرا که بر اثر تغییرات دما لعاب ، بیشتر از بدنه منقبض می گردد و به شکل توری در می آید.

(۲) تخلخل باز بدنه و جذب رطوبت: بدنه با جذب رطوبت محیط به تدریج منبسط می شود و با انبساط بدنه لعاب تحت کشش قرار گرفته و ترک می خورد. عواملی چون نزولات جوی باعث رطوبت شده و شن بین لعاب و بدنه را به وجود می آورد.

(۳) پدیدگی و شکستگی لبه کاشی: که در تزیینات کاشی معرق رایج است. در واقع شکستگی های جزئی که مربوط به تراش کاشی است در اثر عوامل محیطی همچون باد، رطوبت، تغییرات فصلی، نور خورشید، پیشرفت کرده و باعث تخریب کاشی ها شده است.

(۴) تبادل یونی در لعاب: مربوط به ضعف تکنولوژی در روند تولید لعاب بوده است که باعث می شود لعاب در برابر رطوبت محیطی حساس شود.

(۵) طبله کردن و ریختگی کاشی: تحت تاثیر عوامل محیطی به وجود می آید و همچنین به دلیل کاربرد بست های فلزی در کتیبه هنگام باز سازی بنا ایجاد می شود.

(۶) موقعیت مکانی: کرمان از لحاظ جغرافیایی در منطقه ای قرار گرفته که زمستان های نسبتا سرد و تابستان های گرم دارد و زمینه نوسانات حرارتی زیادی دارد که باعث پوسته شدن و گاه به شکل ترک خوردگی در بافت سنگ مشاهده می شود (احمدی وهمکاران، ۱۳۹۲).

بحث و نتیجه گیری:

## اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

با توجه به مطالب ذکر شده حفاظت و مرمت از آثار باستانی توجه ویژه ای را می طلبد چونکه اصالت و هویت فرهنگی هر ملت رادر برمی گیرد، از طرفی هنرهای ماندگار هنر کاشی کاری که هنری اصیل و دارای هویت است، نیازمند همتی والا جهت حفظ و نگهداری و آموزش به نسل آینده می باشد. هنر کاشی کاری سنتی (دستی) میراثی است که از پدران ما به ما رسیده است و نشان دهنده هنر و فرهنگ ایرانی است که هنرمندان ایرانی چنین باستان توانمند خود آثاری شکوهمند خلق کرده اند و هنر آنان جزئی از وجود ماست. دیپاری که خشک و کویری است با هنر پدران ما تبدیل به دیپاری هنری، پر نقش و نگار که باروح لطیف هر انسانی بازی می کند، شده است. در نتیجه توجه به ویژگی های این صنعت می تواند ضمن شناسایی تاریخ و تمدن ایرانی در توسعه معاصر آن، که در حال حاضر نیز، فعالیت آن ادامه دارد، کمک نماید.

مشکلاتی که در راه حفظ هنرهای دستی مانند کاشی کاری سنتی وجود دارد به این شرح می باشد:

۱- کاشی کاری دستی نیاز به صبر و حوصله و وقت فراوان دارد که جوان امروزی ترجیح میدهد از ماشینهای صنعتی به جای دست استفاده کند که نیازمند زمان و حوصله کمتری است.

۲- هیچ نهاد دولتی یا مردمی وجود ندارد که از هنرمند پشتیبانی کند. در کرمان آقای شامرادیان تنها هنرمند قدیمی است که این هنر را در بازوی خود دارد ولی متأسفانه اکنون با دلی خسته و آزرده کارگاه کوچک خود را رها کرده است. کارگاهی که مانند بچه های عزیز است زیرا که چهل سال از عمر با برکت خود را در آن گذرانده است و به هنر آفرینی پرداخته، اکنون نالان از نهادها و مردم وهمه عالم، که کسی نیست که هنر وی را ارج دهد. امروزه در کرمان تولید این کاشی ها توسط آقایان کاشی تراشو خبازیان و تعداد محدودی هنرمندان انجام میشود. این هنر و در بسیاری مواقع به صورت صنعتی درآمدی است و به گفته آقای شامرادیان گاهی سفارشات به اصفهان داده می شود.

۳- با توجه به زمان بربودن و سختی و ظرافت کار در آمد زیادی برای هنرمندان این رشته خاص وجود ندارد.

۴- هیچ کار تبلیغاتی برای حفظ و آموزش هنر کاشی کاری دستی وجود ندارد و خیلی از جوانان ما با این هنر آشنایی لازم را ندارند.

### پیشنهادهات:

۱- گذاشتن یک رشته درسی در دبیرستان ها و دانشکده های هنر و حتی شاید چند واحد درسی برای بعضی از رشته های تحصیلی برای آشنایی هنرجویان رشته های مختلف با این رشته.

۲- ساختن برنامه ها و مستندهای تلویزیونی برای نشان دادن ظرافت و زیبایی هنر کاشی کاری سنتی.

۳- اختصاص کارگاه های آموزشی برای مشتاقان و جوانان هنر دوست که البته پیشنهاداتی در این مورد به میراث فرهنگی کرمان شده است و میراث فرهنگی نیز موافقت خود را اعلام کرده است.

۴- همکاری دانشکده های هنر با میراث فرهنگی در پیشبرد این هدف، بالا بردن سطح آگاهی جوانان از هنرهایی که در گذشته انجام می شده و اکنون در حال انقراض است.

۵- می توان گفت مهم ترین عوامل در هر امر فرهنگی مشوق ها می باشند. اختصاص بودجه لازم برای دادن وام و یارانه هایی خاص برای هنرمندان رشته های هنری در حال انقراض که باعث انگیزه و شوق برای جوانان علاقه مند می شود.

۶- اختصاص دادن حجره های سنتی در مراکز گردشگری برای فروش صنایع دستی هنر جویان مشتاق، بدون دریافت هزینه

# اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

## منابع :

- اسمائیلی سنگری، حسن (۱۳۹۳). راهکارهای احیا بافتهای تاریخی به مساوه هویت واجد ارزش شهری، مورد پژوهی: محور تاریخی تربیت تبریز، فصلنامه ی مدیریت شهری، شماره ۳۷، زمستان ۹۳
- لشکری، آرش، اکبرشریفی نیا و سمیه مهاجر وطن (۱۳۹۳). بررسی نقوش کاشی های زرین فامآوه ازدوره ایلخانیان، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۳۲، زمستان ۹۳، ص ۴۳.
- شکرپور، شهریار، طاووس، محمود، قوچانی عبدالله (۱۳۹۲). بازتاب رهیافت های فرهنگی واجتماعی عصر ایلخانی بر کاشی های زرین فام تخت سلیمان، فصلنامه هنرهای تجسمی و کاربردی ۱۳۹۲-۶۲-۵۳ تا ۶۶
- جوادی، شهره (۱۳۷۸). بررسی و تحلیل تزئینات معماری در مجموعه گنجعلیخان شاهکاری از هنر صفوی، باغ نظر، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۸.
- جمالی، شادی، مراثی، محسن (۱۳۹۱). تزئینات کاشی کاری در مساجد دوره های صفویه وقاجاریه باتکیه بر چهارمصدق تصویری، فصلنامه هنرهای تجسمی و کاربردی، سال ۱۳۹۱، ص ۸۲ تا ۹۴
- آجرلو، بهرام، نامی گرمی، پریسا (۱۳۹۳). شناسایی بافت، بستر اصلی کاشی نگاره های گرمابه تاریخی نوبر تبریز، باغ نظر، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۳، ص ۷۸.
- شکفته، عاطفه، احمدی، حسین، عودباشی، امید (۱۳۹۴). تزئینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی، پژوهش های معماری اسلامی، دوره ۳، شماره ۱
- تاتاری، مهدی ون یستانی، جواد (۱۳۹۳). مطالعه عناصر معماری فضاهای ورودی: موارد بررسی؛ کاروانسراهای صفوی خراسان رضوی، پیام باستان شناس، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۶.
- احمدی، حسین، عابد اصفهانی، عباس، اکبری فرد، مریم (۱۳۹۲). آسیب شناسی کتیبه معرق سنگ و کاشی خدای خانه مسجد عتیق شیراز، دو فصلنامه علمی پژوهشی مرمت و معماری ایرانی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۴.
- میش مست نهی، مسلم، مرتضوی، محمد (۱۳۹۰). سیر تحول، بررسی تاریخی و طبقه بندی کاشی های زیرلعابی در ایران، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی شماره ۴۶
- حسینی سیدهاشم، فراشی ابرقویی حسین (۱۳۹۳). تحلیل جنبه های نمادین شیعی در تزئینات مسجد جامع یزد، نگره، دوره ۹، شماره ۲۹
- ۷- مصاحبه با استاد پیشکسوت کاشی کاری سنتی آقای شاهمرادیان

### Investigation of Ganjaali Khan In Decorative Tile Work (A Forgetting Art)

#### Abstract:

۱۶ Tissue repairing and regenerating in all forms and historical periods is rooted in the values originating from national identity and culture. The ability to understand these values is a basic need to assess the cultural identity of a nation. Restoration of previous era's monuments is significant aspect of the Teimurid era architecture. One of unique collection that represents the cultural identity of Kerman people, one of the most beautiful examples of Safavid era architecture, is Ganjaali Khan set which have collections, each in turn are architecture valuable work. Inn with elegant two-storey building and yard decorated with a combination of brick and tile and painting on plaster which is unique because of delicacy in pictures designation. Diversify in types of plant - geometric designs and animal and human picture tiles strikes the eye. Most of the set mosaic tiling is the artist's hands of Kerman County adorned them in most beautiful form and damaged parts of tiling during Qajar refurbished by artists of the same era and has continued to this day. This research was carried out through library - field studies based on descriptive and analytical method which aim is analysis of Ganjaali Khan Inn's tiled motifs and accordingly, introduction of traditional tile work, that is done for restoration of monuments, investigation of sluggish this career's causes and make recommendations for development of thistraditionalart.

**Keywords:** repairing, Kerman Ganjaaly khan inn, tiling (traditional), mosaic